



است و راه‌های دیگر مثل سازو کارهای حزبی و بررسی سوابق اجرایی و سیاسی فرد نیز وجود دارد.

*** با وجود تأکیدی که بر اجرای قانون اساسی داشتید و ضمن تمام محاسنی که قانون اساسی دارد، با این حال سواد خواندن و نوشتن را برای ورود فرد به عرصه انتخابات ریاست جمهوری کافی می‌دانند...**

- اصلاً در قانون اساسی شرط سواد خواندن و نوشتن وجود ندارد. در اصل ۱۱۵ چنین شرطی نیامده است. نمی‌خواهم بگویم که این جا شرط سواد شده است یا نشده است. به اصطلاح ما شرط سواد در این اصل مفروضه است. در واقع موضوع در نظر گرفته شده است. فردی که می‌خواهد جزو رجال مذهبی و سیاسی باشد قطعاً سواد دارد اما این که چه مدرک باید داشته باشد؛ ذکر نشده است.

*** آیا نظارت استصوابی بعد از تأیید صلاحیت افراد و حتی در مراحل تبلیغات انتخابات نامزدها و نحوه تبلیغ کردن آن‌ها نیز می‌تواند اعمال شود؟**

- اگر بگوییم نظارت جامع و موثر است، یعنی نظارتی که در تمام مراحل وجود دارد و در تمام مراحل شکل می‌گیرد و آثاری بر آن مترتب است. اگر نظارت، نظارت استطلاعی باشد فقط شورای نگهبان می‌تواند از تخلفی که صورت گرفته است مطلع شود اما هیچ اقدامی نمی‌تواند انجام دهد، نهاد دیگری نیز بر اساس قوانینی که داریم نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد. پس اصل ۹۹ را که اعضای شورای نگهبان در مورد نظارت استصوابی تفسیر کردند، مقصودشان این است که در هر مرحله‌ای شورای نگهبان می‌تواند وارد شود از جمله در مرحله انتخابات. مثلاً در دور چهارم انتخابات مجلس خبرگان خاطر هست که یکی از نامزدهای مجلس خبرگان مطالبی را خلاف واقع نسبت به خودش گفت.

*** بعد از تأیید صلاحیت؟**

- بله، در مرحله تبلیغات که در تلویزیون خودشان را معرفی می‌کردند، ایشان ضمن معرفی خودشان مطالب دیگری را هم گفتند. این مطالب به اطلاع اعضای محترم شورای نگهبان رسید و آقایان صلاحیت ایشان را رد کردند. چون مطالب کاملاً خلاف و غیر واقع بود.

نرسیده ایم. (تا تاریخ ۸ بهمن ماه زمان برگزاری این مصاحبه) اگر آن دستور العمل یا آیین نامه داخلی تنظیم شود، فکر می‌کنم بسیاری از سوالات و ابهامات در مورد شرایط ریاست جمهوری حل خواهد شد. *** در برخی از نظام‌های سیاسی جهان این شرایط وجود دارد که امضاها یا تأییدیه‌هایی از افراد مختلف برای کسی که می‌خواهد نامزد ریاست جمهوری شود، دریافت می‌شود، آیا اشکالی دارد که در نظام سیاسی ما هم برای این موضوع تعریفی داشته باشیم؟**

- ببینید! این‌ها همه روش‌هایی است که نظام‌های مختلف از آن بهره می‌گیرند برای احراز شرایط فردی که می‌خواهد سکandar مدیریت کلان کشور شود. ممکن است در برخی از کشورها تأییدیه مدیران قبلی یا فعلی کفایت کند و ممکن است از راه‌های دیگری احراز شود مثلاً سوابق مدیریتی فرد را بررسی کنند تا کمک کند به این که احراز شود آیا توان مدیریتی فرد به اندازه‌ای است که بتواند سکandar مدیریت کلان کشور باشد. در جای دیگری نیز ممکن است به روش‌های دیگری باشد. مثلاً در برخی از کشورها که انتخابات کاملاً با سازو کار حزبی شکل می‌گیرد دیگر ضرورتی به اتخاذ این روش نیست. چرا که حزب از ابتدایی‌ترین مرحله تا انتهای فرآیند انتخابات همه موارد را بررسی می‌کند و به دلیل اعتباری که حزب دارد اجازه نمی‌دهد که هر فردی به گردونه انتخابات ورود پیدا کند. خود همین صافی‌های حزبی که در بین راه ثبت نام کنندگان وجود دارد مرحله‌ای را به وجود می‌آورد شبیه این که مثلاً ۵۰۰ امضا جمع کنند. وقتی که حزب تأیید کند و در انتخابات کنگره‌های حزبی فرد را تأیید می‌کنند در واقع به معنی رای همه سیاسیون به آن فرد است که وی حائز شرایط برای ورود به عرصه انتخابات شده است.

*** بعضی می‌گفتند که با این روش ممکن است شائبه و ام‌دار شدن رئیس‌جمهور آینده به برخی افراد پیش بیاید...**

- بله، ممکن است. اما در بحث‌های مدیریتی کلان کشور مباحث حزب و گروه و جناح وجود دارد و این که اگر کسی به شما تأییدیه‌ای داد ممکن است در آینده انتظاری از شما داشته باشد، ما این را نمی‌کنیم اما بنده عرض کردم که این یکی از راه‌ها

اساسی در اصل ۱۱۵ آمده شرایط بسیار مهم و اساسی است و باید درود بفرستیم بر روح و روان تهیه کنندگان قانون اساسی که بسیار دقیق و با آینده‌نگری در این زمینه اصول قانون اساسی را تنظیم کرده‌اند. ما شرایط اصل ۱۱۵ را باید به گونه‌ای تبیین کنیم که در هر دوره‌ای با شرایط آن زمان نیز منطبق باشد. آن چه در قانون اساسی آمده، تقسیم‌بندی دو گانه است که یک شرط مقدماتی را برای محدوده و قلمروی رجال سیاسی و مذهبی آورده است و سپس در مرحله بعدی می‌گوید اگر کسی این شرط را دارا بود باید شرایط بعدی را نیز مثل تقوا، امانت، ایمان و اعتقاد به مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران و سایر شرایط را داشته باشد. به نظر می‌رسد که نوعی بی‌توجهی به این اصل شده و قانون‌گذار عادی هم به دلیل این که این شرایط حصری است، اختیار چندانی برای تغییر و تحول در این شرایط ندارد. این هم تفسیر شورای نگهبان در چند دوره گذشته است و هم از سیاق عبارت‌های قانون اساسی این گونه استنباط می‌شود. ما باید سازو کاری را پیش بینی کنیم که خود شورای نگهبان بتواند این شرط مقدم و شرط موخر را ارزیابی و احصا کند و با ثبت نام کنندگان تطبیق دهد که هر کدام از آن‌ها که این شرایط را داشتند صلاحیت ورود به چرخه انتخابات را داشته باشند. مجلس محترم در چند دوره تلاش کرد که به این موضوع ورود پیدا کند از جمله در اصلاح اخیر قانون انتخابات و ماده ۳۵ آن که شورای نگهبان به دلیل این که قبلاً در مورد همین موضوع اظهار نظر کرده بود، دوباره تأکید کرد که این مورد نتیجه‌ای نخواهد داشت.

*** راهکار حل مسئله چیست؟**

- خود شورای نگهبان باید یک دستور العمل انتخاباتی یا آیین نامه داخلی انتخابات تهیه کند و این شرایط را که عمدتاً شرایط کیفی است به شرایط کمی تبدیل کند و معیارهایی عینی برای آن بدهد که آن معیارها بتواند ما را به مقصود قانون‌گذار در اصل ۱۱۵ قانون اساسی برساند.

*** اعلام شده که در تدارک چنین کاری هستید...**

- بله، همان گونه که یکی از فقهای محترم اشاره فرمودند، یکی دو جلسه در شورای نگهبان بحث کردیم اما هنوز به نتیجه قطعی